

سرگی دمیدف

ترجمه از: رحیم کاکایی



در ادامه نوشته های سرگی دمیدف درباره انتوگرافی ترکمنها:

غار اغیرناق « برده سیاه - زن »

پاییز سال 1985 برای نخستین بار با رفیق سال پنجم دانشگاه مسکو به مرز ایران- اترک رفتیم، در میان دیگر افسانه ها و داستان های شگفت انگیز، داستان و حکایاتی درباره غار اغیرناق مرموز و اسرار آمیز شنیدیم که در ترجمه به زبان روسی معنی « برده سیاه- زن » و یا بطور وسیع تر « زن سیاه » را میداد. از قرائن چنین برمی آید که سخن درباره یکی از شخصیت های دیوشناسی [اسطوره شیطان شناسی] بومی ترکمن است که درباره آن در دیگر مناطق ترکمنستان چیزی شناخته نشده بود.

بنابر اطلاع و گزارش قدیمی ها غار اغیرناق در نزدیکی های منطقه جنوبی تراترک، اکنون در خاک ایران در رود گورگن دیده شده است. با این حال در توصیف و تشریح این شخصیت و پرسوناژ، برخلاف سایرین، کاملاً افسانه ای - مانند اجنه، ارواح، ایبه (ایبه - در اسطوره ترکان باستان روحی است که در هر مکانی اقامت و مسکن دارد- مترجم) و غیره، عناصری وجود داشتند که حکایت از « برده سیاه» داشت، که گویی موجودی واقعی است. بنحویکه دیگر روح ها، طبق تصورات خرافاتی و موهوم پرستانه، قیافه و ظاهر معینی ندارند و در صورت لزوم چهره این یا آن حیوان و انسان را بخود می گیرند.

غار اغیرناق همواره این یا آن چهره را دارد: موجودی شبیه انسان است که با انبوهی از پشم و موی سیاه و سینه بلند زنانه نمایان میشود. این موجود در رودخانه ها و بوته زارها و بیشه های کنار رودخانه ها، بویژه در نزدیکی گذار رودخانه ها زندگی می کند. معمولاً به انسان ها حمله نمیکند، اما چنانچه این اتفاق بیفتد، آنگاه آب از نیروی غیر عادی برخوردار میشود، و او را در ساحل گم می کند. غیر از جوهر پیچاق (چاقوی فولادین - چاقویی از فولاد گلدان) هیچ سلاح دیگری بر دیگر نمایندگان دیوشناسی (اسطوره شیطان شناسی)، تأثیری ندارد، و بر غار اغیرناق هم مانند حیوانات معمولی یا انسان تأثیر می کند.

بنحویکه در سال 1928 یکی از ساکنان روستای آق یایلا، طبق تعریف یک روستایی و پسرش (که در سال 1957 کمی پیش از پیدا شدن ما در منطقه درگذشت) با تیر اسلحه غارا ایسا را در گذار رود گورگن (گرگان) کشته اند، موجودی که گویا شب هنگام در محل اطراق شبانه کاروان چارپایان او را که در گذار رود جا گرفته بودند، ترسانده است.

باز یک باشنده دیگر اترک بنام آنا قاپیر بما تعریف کرد که گویا هنگامیکه در تاریکی شب دستان خود را در رود اترک می شسته مورد حمله غار اغیرناق قرار گرفته و انگشتان دست او گاز گرفته شده

است. برخی گزارشات مشابه دیگری نیز قید شده بودند. به نظر میرسد که تصویر و سیمای غارا غیرناق میتوانست برخی لحظه ها درهم آمیخته شود. از یک سو باز نمودهایی در پیوند با این یا آن حیوان واقعی، اما بندرت حیوانات بومی است و عناصر معینی از ظاهر، قیافه و طرز رفتار و غریزه که به تصور و توهم ساکنان این مناطق دامن می زد مشاهده شده است.

به چنین نمایندگانی از جهان حیوانات، میتوان بویژه به سمورهای آبی رودخانه های بزرگ، خرس هایی که در منطقه جنگل زار جریان علیای میان دو رود گورگن و اترک دیده میشوند، یا حتی برای سگ های دریایی جنوب خزر که در تلاش و تعقیب ماهی، هر چند بندرت، اما دورتر به سمت بالا در آبهای شیرین رود اترک شنا میکردند و به ساکنان حیرت زده صحرا که هرگز این حیوانات عجیب را ندیده اند منسوب داشت.

جالب است اشاره کرد که به گفته ماهیگیران ترکمن که در خزر میانه (حوالی کراسنودسک و چلکین) جایکه سگ های دریایی بسیاری مشاهده میشوند، زندگی میکردند، واژه غیرناق را که موجب خشمگین و غضب آنان میشد و واکنش خصمانه ی آنها را برمی انگیزت، دوست نداشتند.

مردم فارس زبان جنوب دریای خزر آنها را «سگ آبی» می نامند (در ضمن قزاق های ساحل دریای خزر همچنین مشابه نام ترکی آن «سو ایتی» را بکار میبردند). سگ آبی در ایران پیش از اسلام، جایکه سگ، برخلاف دین اسلام از احترام زیادی برخوردار بود، «پاکترین سگ ها» را بیدستر، همراهان با وفای آنهایتا الهه باروری و عشق می نامیدند.

درهم آمیختگی عجیب و غریب بازتاب باورها بهمراه اعتقادات بومی باستانی با نمایندگان واقعی جهان حیوانات را ممکن ساخته و در نتیجه تصویر «برده سیاه - زن» را موجب شده است. به این امر باید اضافه کرد که دین نو رسیده به دلایلی روشن و قابل فهم توانست چهره ای منفی از بسیاری از چهره های محبوب و مثبت نمایندگان زرتشتی - مزدکی مردم آسیای مرکزی دوره پیش از اسلام، از جمله آنهایتا، ضمن تبدیل آن به موجود شیطانی زشت ژولیده و زیان آور که صفت مشخصه و خاص آن سینه های بلند است نشان دهد.

کاربرد اصطلاح غارا (سیاه) نسبت به شخصیت و پرسوناژ مورد نظر از توصیفات آن واضح و روشن است. تا آنجا که به کلمه دوم - غیرناق «برده» مربوط است، و از سوی برخی از سخنگویان مردم بومی بیان میشود تا اندازه ای اصیل است و عاری از عقل سلیم هم نیست، قضیه زیر است.

چنین می نامیدند اسیران ایرانی، به غنیمت گرفته شده در دوران لشگرکشی های ترکمن ها - آلامان ها، در استان های مرزی ایران را. برخی از این اسیران موفق میشدند از نیمه راه فرار کنند و سپس در بوته زارهای کنار رودخانه ها و نزدیک گذارها، در انتظار فرصتی مناسب جهت عبور از رودخانه پنهان میشدند. در زمان سرگردانی های اضطراری که از آفتاب، باد و صورت کثیف و گل آلود بدن آنها سیاه میشد، لباس های آنها ژولیده و در تاریکی شب، با قسمی فانتزی خرافاتی به نخ پشمی تبدیل میگشت.

طبیعی است که در میان کسانی که در حال فرار بودند مرد نیزمی توانست وجود داشته باشد، از این رو برخی از طرفین گفتگوی ما- یعنی برخی از مردم محل، طبیعی است متوجه شوند که غارا غیرناق بلحاظ جنسی - نام نسبتا مشروطی است.

به گفته بالا بازیگ خصلت جالب دیگر را باید اضافه کرد. در ماه اوت سال 1964، که یکی از سخنرانان در کنگره بین المللی هفتم انسان شناسی و مردم شناسی در مسکواز گروه ترکمنستان بود، من مسئله غار اغیرناق را به برخی اعضای گروه پروفیسورهای شهر ماشکوتسوا، از هواداران بسیار فعال تحقیق درباره به اصطلاح « آدم برفی» یا «یتی» (1) و طرفدار پورشنف دانشمند مشهور شوروی بودند بازگو کردم.

این پرسوناژ و شخصیت ناشناخته (منظور در اینجا غار اغیرناق است. مترجم) آنها را بسیار علاقمند ساخت و آنها سپس نقشه ای را بمن نشان دادند، که طبق شرایط نشانه گذاری ها، در میان کوهها و جنگل های دو رود «گورگن» و «اترک» بمثابة منطقه ای که «یتی» بطور اتفاقی ظاهر شده است علامت گذاشته شده بود. چنین است به اختصار توصیف و تشریح این پرسوناژ و شخصیت غیر عادی که مجموعه دیو شناسی (اسطوره - شیطان شناسی) ترکمن را تکمیل میکرد.

1- یتی - آدم برفی منفور و به یک جانور افسانه ای میمون مانند گفته میشد که ساکن منطقه هیمالیا از نپال و تبت است. نام «یتی» معمولا توسط مردم بومی منطقه استفاده می شده است. مترجم